



Journal of Early Childhood Health and Education

Spring 2024, Volume 5, Issue 1 (15), 1-16

Legal Linguistics in Support of Children's Linguistic Rights

Parham Nami Fard Tehrani¹ & Ali Karimi Firouzjaee^{2*} & Hatam Sadeghi Ziazi³ & Faezeh Farazandeh Pour⁴

1. Ph.D Candidate of Linguistic Department, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, University of Science and Research (Islamic Azad University), Tehran, Iran
2. Associate Prof. of Linguistic Department, Faculty of Literature and Foreign Languages, Payam Noor University, Tehran Iran
3. Assistant Prof. of Law and Social Sciences Department, Payam Noor University, Tehran, Iran
4. Assistant prof. of Linguistic Department, University of Science and Research (Islamic Azad University), Tehran, Iran

ARTICLE INFORMATION

Article type

Original research

Pages: 1-16

Corresponding Author's Info

Email: alikarimif@pnu.ac.ir

Article history:

Received: 2024/02/04

Revised: 2024/02/29

Accepted: 2024/05/01

Published online: 2024/05/30

Keywords:

Right, Linguistic rights;
Linguistic minority; Native
speakers; Legal linguistics.

ABSTRACT

Background and Aim: This article examines the observance of the linguistic rights of children of the linguistic minority and native speakers through legal linguistics, which is in accordance with international treaties and has been able to play a fair role in this field. **Methods:** The research method used in it is correlation type, which explains the relationship between language rights in accordance with the international treaties regarding the importance of language and its rights, which have been mentioned in various historical periods so far. The collection of information is only through library studies and valid internet bases, which can only be obtained by studying and researching the available sources, and the collection tool is the research sheet. **Results:** The results of this article indicate that in mass media and in different countries, in addition to the first language, the second language should be removed from the language of linguistic minorities and native children so that the extinction of their language does not disappear in terms of value and in the area It should be used correctly. **Conclusion:** The current conclusion is that according to Article 12 of the Convention on the Rights of the Child, the child must have social freedom in using his minority and native language so that he can express his opinions correctly and with the right to speak in the courts. He should fulfill himself and fulfill the rights of the child in this field. In the end, judicial linguistics can help the child in preserving and protecting the language rights of the majority and even the minority until the right is realized and the best is achieved.



This work is published under CC BY-NC 4.0 licence. © 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Nami Fard Tehrani P, et al. (2024). Legal Linguistics in Support of Children's Linguistic Rights. *JECHE*, 5(1, 15): 1-16.





زبان شناسی قانونی در حمایت از حقوق زبانی کودکان

پرهام نامی فرد طهرانی¹ و علی کریمی فیروزجانی^{2*} و حاتم صادقی زیازی³ و فائزه فرازنده پور⁴

1. نامزد دکتری تخصصی گروه زبان شناسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
2. *دانشیار گروه زبان شناسی، دانشکده ادبیات و زبان های خارجه، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
3. استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
4. استادیار گروه زبان شناسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی - پژوهشی صفحات: 1-16 اطلاعات نویسنده مسئول ایمیل: alikaarimif@pnu.ac.ir سابقه مقاله تاریخ دریافت مقاله: 1402/11/15 تاریخ اصلاح مقاله: 1402/12/10 تاریخ پذیرش نهایی: 1403/02/12 تاریخ انتشار: 1403/03/10 واژگان کلیدی حقوق، حقوق زبانی، اقلیت زبانی، بومی زبان، زبان شناسی قانونی	زمینه و هدف: مقاله حاضر به بررسی رعایت حقوق زبانی کودکان اقلیت زبانی و بومی زبان از مجرای زبان شناسی قانونی تدوین که در تناظر با معاهدات بین المللی بوده و توانسته عادلانه ایفای نقش در این زمینه نماید. روش پژوهش: روش مورد نظر در مقاله حاضر بصورت تحلیلی، توضیحی و تفسیری به انضمام تبیینی می باشد روش تحقیق مورد استفاده در آن از نوع همبستگی می باشد که رابطه بین کمرنگی و پررنگی حقوق زبانی را در تناسب با معاهدات بین المللی در خصوص اهمیت زبان و حق ادای آن که در طی ادوار گوناگون تاریخی تاکنون بدان ها اشاره شده است، تبیین می نماید. گردآوری اطلاعات صرفاً از طریق مطالعات کتابخانه ای و پایگاه های اینترنتی معتبر می باشد که تنها با مطالعه و تحقیق نسبت به منابع موجود میسر می گردد و ابزار گردآوری در آن، فیش تحقیقاتی است. یافته ها: نتایج حاصل از مقاله حاضر نشانگر این می باشد که بایستی در رسانه های جمعی و در کشور های مختلف در کنار زبان اول، زبان دوم را از زبان اقلیت های زبانی و کودکان بومی گرته برداری نمود تا انقراض زبان آنان به لحاظ ارزشی از بین نرود و در حیطه کاربردی استفاده صحیح از آن گردد. نتیجه گیری: طبق ماده 12 کنوانسیون حقوق کودک باید کودک آزادی اجتماعی را در استفاده از زبان اقلیتی و بومی خود داشته باشد تا بتواند در محاکم قضایی و.... عقاید خود را بطور صحیح و با حق زبانی خود ادا نماید و احقاق حقوق کودک در این زمینه صورت پذیرد. در نهایت زبان شناسی قضایی می تواند کودک را در حفظ و صیانت از حقوق زبانی اکثریتی و حتی اقلیتی خود کمک تا احقاق حق محقق گردد و بهینگی حاصل شود.

انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.

تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.



شیوه استناد به این مقاله

نامی فرد طهرانی، پرهام و همکاران. (1403). زبان شناسی قانونی در حمایت از حقوق زبانی کودکان. فصلنامه سلامت و آموزش در اوان کودکی، 5(1): 16-1.

مقدمه

حق استفاده از زبان مادری تحت تأثیر بررسی ماهیت این حق در نظام بین المللی حقوق بشر قرار می گیرد. صحبت از حقوق زبانی مستلزم بررسی این حق در چارچوب حقوق عمومی بشر و حقوق اقلیت هاست. از یک سو، حق استفاده از زبان مادری ریشه در «حق متفاوت بودن» دارد که خود الهام گرفته از کرامت انسانی می باشد و از سوی دیگر؛ به این دلیل که حقوق زبانی اکثریت اولی از حقوق زبانی اقلیت می باشد، در نتیجه زبان آنها مغفول مانده است. بنابراین، حقوق زبان را می توان به دو رویکرد مبتنی بر تساهل تقسیم کرد که هرگونه مداخله در انتخاب زبان و استفاده از آن توسط دولت ها را ممنوع می کند، و همچنین رویکردی مبتنی بر گسترش که به دنبال حمایت از حق استفاده از زبان در زمینه های مختلف است. مانند آموزش، دادگاه، عرصه عمومی و نهادهای دولتی. در وهله اول علت انتخاب موضوع مقاله حاضر حمایت از حقوق زبانی اقلیتهای ساکن در کشورهای مختلف می باشد که زبان آنان نادیده گرفته شده و بایستی بر اساس مقاوله نامه ها و معاهدات بین المللی گوناگون به اهمیت آنها پی برد و مورد تبیین قرار داد. تفاوت مقاله حاضر با توجه به ادبیات پژوهشی در این می باشد که حقوق کودک از منظر حقوق بین الملل را با زبان شناسی تلفیق نموده ام تا حقوق زبانی کودک متجلی گردد و تاکنون پژوهشگری در این زمینه مطالعاتی، تحقیقی را انجام نداده است.

مدنی و خسروی (2009) مقاله ای را تحت عنوان "نشانه شناسی زبان در شعر کودک" به نگارش در آورده اند که به شرح ذیل می باشد: تجلی شعر کودک، همچون هنر شعر حوزه بزرگسال، در زبان و ساختار خاص آن است، اما تمایز شعر کودک، از شعر بزرگسال، در ضرباهنگ و موسیقی سرشار همراه با ریتم تند زبان، استفاده از دست مایه های زبانی نشاط انگیز، کنش تصویری بالا، بیرونی بودن زبان، استفاده از مکان و محیط بیرونی در شخصیت پردازی مطلق، یک پارچگی و عدم فاصله گذاری و حذف در خط روایی شعر، تک آوایی بودن زبان شعری در محور عمودی، کوتاهی و مقطوع بودن زبان در محور افقی، ترجیح زبان بر پیام، از نشانه های مربوط به حوزه تفکیک شده شعر کودک است. غنای موسیقایی شعر کودک بسیار پیچیده و دشوارتر از کاربرد صحیح دیگرعناصر زبانی است، چراکه استخدام درست و آگاهانه عناصر موسیقایی در شعر کودک نیازمند دقت، حوصله و از همه مهمتر تسلط و درک درست از زبان کودکان می باشد. این مقاله در خدمت تشریح و بازکردن مهمترین نشانه (ویژگی) های زبانی شعر کودک قرار گرفته است. نوع پرست (2011) مقاله ای را تحت عنوان "حقوق کودک: شورای حقوق بشر و منع خشونت علیه کودکان" به نگارش در آورده و به شرح ذیل می باشد: این مقاله با سه هدف اصلی تنظیم شده است: نخست انعکاس توجه روز افزون بین المللی نسبت به موضوع کودکان به صورت تصویب اسناد و ایجاد سازوکارهای بین المللی که تا مدتها به آن عنایتی درخور صورت نمی گرفت. دوم، بررسی نگرانی فزاینده بین المللی نسبت به موضوع خشونت علیه کودکان و به خصوص کودکان خیابانی که در برخی از کشورها به معضلی تبدیل گشته که با هیچ تدبیر داخلی تاکنون بدرستی فروکش نکرده است و بالاخره بررسی نظرات متخصصان و چاره اندیشان که با توجه به ریشه های این مشکل نظیر سست شدن بنیان خانوادگی، آفت های اجتماعی مانند اعتیاد و نیز درگیری های مسلحانه داخلی و منطقه ای چگونه می توان احتمالا شرایط بهتری را برای کودکان خیابانی فراهم آورد. در این رهگذار به طور مختصر به راه های رویارویی با این مشکل در کشور نیز خواهد پرداخت. پارسا پور و نوربخش (2015) مقاله ای را تحت عنوان "معیارهای ارزیابی مصلحت کودک در فقه امامیه، حقوق ایران و کنوانسیون حقوق کودک" به نگارش در آورده و عبارت است از: اولیای قانونی در کلیه اقدامات مالی و غیرمالی خویش نسبت به کودک مکلف به رعایت مصالح وی می باشند. تعریف «مصلحت» در همه نظام های حقوقی توأم با گونه ای ابهام تعمدی است تا در شرایط گوناگون قابلیت تطبیق پذیری را داشته باشد. این ابهام در ساحت های تقنین، قضا و اجرا می تواند پدیدار شود و موجب گردد که ارزیابی مصلحت از چارچوب های معینی پیروی نکند. این مساله در تبیین حدود و ثغور مصلحت کودک، به عنوان رکن اصلی حقوق وی، از اهمیت فزون تری برخوردار است. از این رو در این نوشتار، با هدف ارائه راهکاری اولیه برای کاستن از این بی قاعدگی وسیع، با تحلیل موضع نظام حقوقی ایران با ابتناء بر فقه امامیه و نیز رویه قضایی، و موضع کنوانسیون حقوق کودک با لحاظ ملاحظات کلی کمیته حقوق کودک، کوشیده ایم معیارهایی کلان برای ارزیابی مصلحت کودک استخراج نماییم. از این رو در این مقاله ضمن ایجاد تمایز مفهومی میان مصلحت با اصطلاحات مشابه، نمونه هایی از ضوابط شکلی و ماهوی برای تعیین مصادیق آن پیشنهاد می شود. مظلوم زاده و همکاران (2021) مقاله ای را تحت عنوان "اصول مرتبط با حقوق کودک در محیط دیجیتال" به نگارش در آورده و عبارت

است از: زمینه و هدف بحث کودکان و محیط دیجیتال از دغدغه‌های مهم از جمله در حیطه فقه، اقتصاد و حقوق است؛ اینکه حقوق کودکان در محیط دیجیتال چیست و رویکرد فقه و حقوق در خصوص تبلیغات تجاری با استفاده از کودکان در فضای مجازی چگونه است از موضوعات مهم در این خصوص است که در این مقاله تلاش شده مورد بررسی قرار گیرد. مواد و روش‌ها مقاله توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سوال مورداشاره پرداخته است. ملاحظات اخلاقی در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است. یافته‌ها طیف گسترده‌ای از حقوق کودکان شامل حریم خصوصی، دسترسی مناسب به محیط دیجیتال، حمایت در برابر سوءاستفاده جنسی و تبلیغات تجاری از مهم‌ترین اصول مرتبط با حقوق کودک در محیط دیجیتال است. در فقه به صورت مستقیم بحثی در این خصوص انجام نشده، اما از بررسی منابع فقهی ضرورت حمایت از حقوق کودک از جمله در تبلیغات تجاری در محیط دیجیتال قابل استنباط است. در حقوق موضوعه ایران اما قواعد محدودی به حقوق کودکان در محیط دیجیتال پرداخته و قواعد حقوقی مشخص و منسجمی در زمینه استفاده از کودکان در تبلیغات تجاری در محیط دیجیتال در حقوق ایران وجود ندارد. نتیجه‌گیری نظارت بر فعالیت کودکان در محیط دیجیتال، تدوین قوانین مناسب در این خصوص و افزایش سطح سواد و آگاهی کودکان در استفاده از محیط دیجیتال مهم‌ترین راهکارهای حفظ حقوق کودکان در این حیطه به ویژه در زمینه تبلیغات تجاری است.

چارچوب نظری تحقیق بر اساس نظریه نورمن فرکلانف^۱ در تحلیل گفتمان انتقادی حقوقی است که در سه سطح به حل مسأله می‌پردازد که عبارت است از: توصیف، تفسیر و تبیین و راه را برای رسیدن به مقصود محقق باز می‌نماید که از تلقی‌های پنهان نشأت می‌گیرد. بنابراین سوالات و فرضیات پژوهش به شرح زیر است:

1. زبان‌شناسی حقوقی بر اساس چه اسناد بین‌المللی می‌تواند به حمایت از حقوق اقلیت‌های زبانی و کودکان بومی زبان بپردازد؟
2. چگونه می‌توان به اهمیت زبان اقلیت جامعه و کودکان بومی زبان از منظر زبان‌شناسی حقوقی پی برد؟
3. زبان‌شناسی حقوقی بر اساس معاهدات بین‌المللی منطقه‌ای و فرامرزی با استفاده از ابزار زبانی به حمایت از حقوق زبانی اقلیت جامعه و کودکان بومی زبان می‌پردازد.
4. با مقایسه با اصل 15 قانون اساسی و ماده 12 کنوانسیون حقوق کودک به بطن رابطه زبان‌شناسی حقوقی و اهمیت زبانی می‌توان پی برد.

روش پژوهش

روش مورد نظر در مقاله حاضر بصورت تحلیلی، توضیحی و تفسیری به انضمام تبیینی می‌باشد که ادوار مختلف تاریخی را به لحاظ بین‌المللی بودن پرونده‌های من باب حقوق زبانی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده که نوع تحقیق حاضر بیشتر ترکیبی و کانون توجه مربوط بر روی همبستگی بودن بین متغیر مستقل (زبان‌شناسی) و متغیر وابسته (حقوق) می‌باشد و از نمودار تحلیل آماری Spss نسخه 22 هم جهت بیشینگی و کمینگی توسعه زبانی از مجرای زبان‌شناسی قانونی انجام پذیرفته است.

یافته‌ها

سوال اول پژوهش بیان می‌کرد که زبان‌شناسی حقوقی بر اساس چه اسناد بین‌المللی می‌تواند به حمایت از حقوق اقلیت‌های زبانی و کودکان بومی زبان بپردازد؟ سه نگرش راجع به رعایت غبطه کودکان وجود دارد که عبارتند از:

نگرش اول: اولویت دهی به منافع کودکان

تفسیر بهترین منافع کودک توسط کمیته حقوق کودکان^۲ ملل متحد در مشاهدات پایانی خود خطاب به گزارش‌های کشورهای عضو تأکید می‌کند که "بهترین منافع کودک" یک مفهوم سه گانه است:

1. حق ماهوی: این یک حق فردی و جمعی است که تضمین می‌کند «بهترین منافع» کودک/کودکان «ارزیابی و به‌عنوان ملاحظات اولیه در نظر گرفته شود». به منظور تصمیم‌گیری در مورد موضوع مورد بحث، و تضمین اجرای حقوق کنوانسیون.

1 Norman Fairclough

2 Committee on the Rights of the Child

2. اصول حقوقی، تفسیری و اساسی: «اگر یک ماده قانونی برای بیش از یک تفسیر باز باشد، باید تفسیری انتخاب شود که به بهترین نحو در خدمت منافع کودک قرار گیرد».

3. وحدت رویه: هر زمان که تصمیمی گرفته می‌شود، «فرایند تصمیم‌گیری باید شامل ارزیابی تأثیر احتمالی، مثبت یا منفی، تصمیم بر کودک یا کودکان مربوطه باشد.» ارزیابی و تعیین بهترین‌ها. منافع کودک مستلزم ضمانت‌های رویه ای است (نظر کمیته حقوق کودکان ملل متحد^۱، 2013، بند 6).

از عبارت "بهترین منافع کودک" هیچ تعریف روشنی از بهترین منافع موجود، وجود ندارد، اما در نظر عمومی آن کمیته شماره 14، توضیح مفصلی از این اصل ارائه می‌کند. مورد مذکور مفهوم پیچیده و قابل انطباقی است که باید به صورت موردی مشخص شود. قاضی، مقام اداری، اجتماعی یا آموزشی تنها در صورتی می‌تواند مفهوم را روشن و از آن استفاده مشخص کند که با در نظر گرفتن زمینه، موقعیت و نیازهای شخصی کودکان همسو باشد (فریمن^۲، 2007، صفحات 50-60؛ کمیته حقوق کودک سازمان ملل، 2013، بند های 32-34). بررسی اولیه کشورهای عضو باید فرآیندی کامل و رسمی برای ارزیابی و تعیین بهترین منافع کودک در همه مواردی باشد که تصمیمی به له آنها تأثیر زیادی خواهد داشت و در فرآیندهای قانونگذاری آنها بگنجانند. در این موارد، سطح بیشتری از حمایت و رویه های دقیق برای در نظر گرفتن بهترین منافع آنها مناسب است (کمیته سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک، 2002، بند 10، 2005، پاراگراف 19-21، 2013، بند 20). عبارت «ملاحظات اولیه» در مقایسه با سایر ملاحظات به منافع کودکان، جایگاه قوی تری را به خود اختصاص می‌دهد. این امر بر اساس «وضعیت خاص کودک: وابستگی، بلوغ، وضعیت قانونی و اغلب بی صدا بودن» رخ می‌دهد و این واقعیت که اگر منافع کودکان «برجسته نمی‌شوند، آنها تمایل دارند نادیده گرفته شوند» (کمیته حقوق کودک سازمان ملل، 2013، بند 37) بایستی از اذهان عمومی حذف گردند.

نگرش دوم: مراقبت و حفاظت - شبکه ایمنی

بند 2 ماده 3 بر تعهدات کشورهای عضو برای تضمین حمایت و مراقبت لازم از کودک با در نظر گرفتن حقوق و وظایف والدین و سایرین که قانوناً در قبال کودک مسئول هستند، تمرکز دارد. این یک تعهد کلی کشورهای عضو را تکرار می‌کند که به تعهدات آنها تحت سایر اصول کلی (مواد 2، 6 و 12) و سایر تعهدات خاص کنوانسیون مرتبط است، به عنوان مثال:

1. ارائه «کمک مناسب به والدین و سرپرستان قانونی» در مسئولیت‌های تربیتی آنها (ماده 18 (2))
2. ارائه «حمایت و کمک ویژه» به کودکان محروم از محیط خانوادگی (ماده 20 (1))
3. به رسمیت شناختن حقوق کودکان برای بهره‌مندی از تأمین اجتماعی (ماده 26)
4. ارائه استانداردهای زندگی مناسب (ماده 27)
5. از کودکان در برابر هر گونه خشونت و استثمار محافظت کنید (مواد 19، 32، 33، 34، 35، 36 و 37) (هاجکین^۳، 2007، ص 41).

با این حال، بند 2 ماده 3 همچنین یک ماده تکمیلی را بیان می‌کند که خلأهای احتمالی موجود در کنوانسیون را با تحمیل مسئولیت به دولت‌های عضو برای انجام «تمام اقدامات قانونی و اداری مناسب» لازم برای رفاه کودک پر می‌نماید. بنابراین، این ماده مسئولیت آخرین راه حل را بر دوش کشورهای عضو تحمیل تا از رفاه تمامی قشر آسیب پذیرترین کودکانی که توسط مفاد آن نادیده گرفته شده‌اند اطمینان حاصل شود (فریمن، 2007، صفحات 66-67؛ هاجکین، 2007، ص. 40). اقدامات قانونی و اداری مناسبی که باید انجام شود باید با بند 1 ماده 3 و ماده 4 کنوانسیون مطابقت داشته باشد.

1. United Nations Committee on the Rights of the Child
2. Friman, A.
3. Hodgkin, F.

نگرش سوم: استانداردهای کافی برای مؤسسات، خدمات و امکانات اختصاص یافته به مراقبت و حمایت از کودکان

بند 3 ماده 3 مستلزم ایجاد استانداردهای مناسب برای مؤسسات، خدمات و تأسیسات مسئول مراقبت یا حمایت از کودکان است. سایر مقررات کنوانسیون به خدمات خاصی که کشورهای عضو باید ایجاد کنند، می‌پردازد، به عنوان مثال:

- کسانی که به مراقبت از کودکان اختصاص یافته‌اند (ماده 18 (2) و (3))
- مراقبت جایگزین برای کودکان خارج از محیط خانوادگی (ماده 20)
- مراقبت از کودکان دارای معلولیت (ماده 23)
- مراقبت‌های توانبخشی (ماده 39)

• مراقبت‌های نهادی و سایر مراقبت‌های مربوط به نظام قضایی اطفال (ماده 40).

ماده 3 (3) فهرست کاملی از حوزه‌هایی که استانداردها باید در آنها ایجاد شود ارائه نمی‌کند، اما «به ویژه در زمینه‌های ایمنی، بهداشت، تعداد و تناسب کارکنان آنها و همچنین نظارت صالح» ذکر شده است. مهم می‌باشد که تصدیق کنیم موارد فوق‌الذکر مستلزم تعیین استانداردهای مناسب برای همه است و خدماتی که قبلاً در کنوانسیون مشخص شده و برای همه مواردی که به طور خاص در آن ذکر نشده است. این مهم در راستای افزایش دامنه خدمات مراقبت جایگزین است که از دولت‌های عضو درخواست می‌شود تا برای اطمینان از مراقبت و حمایت از کودکان راه‌اندازی کنند (فریمن، 2007، صفحات 71-72؛ هاجکین و همکاران، 2007، ص 41).

حقوق زبانی از حق فردی و جمعی برای انتخاب زبان یا زبان‌های خود برای برقراری ارتباط هم در حوزه خصوصی و هم در حوزه عمومی محافظت می‌کند. این مورد شامل حق صحبت به زبان خود در قوانین، محاکم اداری و قضایی، حق دریافت آموزش به زبان خود، و حق پخش رسانه‌ها به زبان خود می‌باشند. برای گروه‌های اقلیت، فرصت استفاده از زبان خود می‌تواند بسیار مهم باشد، زیرا از هویت و فرهنگ فردی و جمعی و همچنین مشارکت در زندگی عمومی محافظت بعمل می‌آورد.

اگرچه ماده 27 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین می‌کند که اقلیت‌های زبانی می‌توانند از زبان‌های خود در جامعه خود استفاده کنند ولی مشکلات اغلب در سطح ملی وجود دارد. در حالی که دولت‌ها مجاز به پذیرش یک زبان ملی هستند و ممکن است بیش از یک زبان را بپذیرند، نمی‌توانند علیه زبان‌های اقلیت‌هایی که به طور رسمی به رسمیت شناخته نشده‌اند تبعیض قائل شوند. دولت‌ها اغلب استفاده رسمی از زبان‌های اقلیت‌ها را به دلیل این ایده که استفاده از زبان‌های مشخص «ضروری» است، محدود کرده‌اند. این می‌تواند بین گروه‌هایی که زبان‌شان به رسمیت شناخته می‌شود - که اغلب گروه‌های «اکثریتی» هستند - و گروه‌هایی که مستکف می‌باشند، تمایز ایجاد کند. این دقیقاً همان چیزی است که هدف اقدامات ضد تبعیض برای جلوگیری از آن است. با این حال، مدت زیادی طول کشیده تا محدودیت‌های زبان به عنوان تبعیض تلقی شود و حمایت از گروه‌های اقلیت هنوز ناکافی است.

محدودیت در حقوق زبان نیز می‌تواند به طور غیرمستقیم مانع گروه‌های اقلیت شود. قوانین ممکن است کسانی را که به زبان ملی صحبت نمی‌کنند از نامزدی برای پست‌های سیاسی منع کنند، بنابراین با تعهدات بین‌المللی تضمین‌کننده انتخابات آزاد در تضاد است. همچنین ممکن است منجر به ناعادلانه بودن دادرسی‌های دادگاه شود؛ زیرا می‌تواند به زبانی انجام شود که افراد خاصی با آن آشنایی ندارند. در طول مشورت با دولت، گروه‌های اقلیت نیز ممکن است متضرر شوند به این دلیل که دولت ممکن است اصرار کند که بحث‌ها به زبان ملی صورت پذیرد که اغلب منجر به عدم گفتگو و تفاهم برای اقلیت‌ها می‌شود. کودکان همچنین ممکن است رنج ببرند؛ زیرا این احتمال وجود دارد به زبانی که با آن ناآشنا هستند آموزش داده شوند. دولت‌ها حتی استفاده از برخی نام‌ها را محدود کرده‌اند و به این ترتیب به گروه‌های اقلیت اجازه نمی‌دهند از شیوه‌های فرهنگی سنتی لذت ببرند و حق زندگی خصوصی و خانوادگی آنها را زیر پا گذاشته‌اند.

سوال دوم پژوهش به شرح زیر بود:

چگونه می توان به اهمیت زبان اقلیت جامعه و کودکان بومی زبان از منظر زبان شناسی حقوقی پی برد؟ برای پاسخگویی به این سوال ابزارهای حمایت از حقوق زبانی کودکان ارائه شده است:

ابزار حمایت از حقوق زبانی

1- ابزارهای بین المللی:

1. ماده 2، اعلامیه جهانی حقوق بشر
2. ماده 27 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی
3. مواد 17، 29، 30 و 40 کنوانسیون حقوق کودک
4. مواد 13، 14 و 16 اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق مردمان بومی
5. اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد متعلق به اقلیت های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی
6. اعلامیه جهانی یونسکو در مورد تنوع فرهنگی

2- ابزارهای منطقه ای:

1. ماده 2، منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم
2. ماده 1، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (پیمان سن خوزه)
3. مواد 5، 6 و 14 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر
4. ماده 19 و قسمت پنجم ماده E، منشور اجتماعی اروپا (تجدید شده)
5. مواد 1 تا 14، منشور اروپایی برای زبان های منطقه ای یا اقلیت

3- موارد تاریخی مرتبط

1. ماولونوف^۱ و سعدی^۲ علیه ازبکستان، کمیته حقوق بشر 2004
2. اسکندر علیه جمهوری مقدونیه یوگسلاوی سابق، کمیته حقوق بشر، 2001

3-1- موارد منطقه ای:

1. اورشوش^۳ و دیگران علیه کرواسی، دادگاه اروپایی حقوق بشر، 2010
2. رومن آنگونس^۴ علیه کاسا دریسپارمیو دی بولزانو^۵، دادگاه دادگستری اروپا، 1998
3. ملت یانومامی، پرونده شماره 7615، کمیسیون بین آمریکایی حقوق بشر، 1985
4. پرونده «زبان شناسی بلژیکی»، دادگاه اروپایی حقوق بشر، 1968

3-2- موارد داخلی:

1. رئیس بخش: وزارت آموزش و پرورش پومالاکانا و دیگران علیه هورسکول ارملو^۶ و سایرین، دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی، 2009

1. Mavlonov

2. شانسای سعدی خواهان در دعوا می باشد نه سعدی شاعر

3. Orshush

4. Roman Angus

5. Casa Drisparmio di Bolzano

6. Ermello Horse School

2. انجمن‌های آفریقایی مالای و دیگران در مقابل. موریتانی^۱، کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم، 2000 (اکسترا، جی، و یامور، کا)^۲، 2004. دیدگاه حقوق زبان).
 موارد و شواهد زبانی و تاریخی دال بر آن است که از زمان‌های دور تا کنون هنوز که هنوز حقوق زبانی بعنوان اصلی مهم در سیاست زبان‌شناسی حقوقی مورد مذاقه نظر واقع می‌گردد.

4- حقوق فرهنگی، مذهبی و زبانی اقلیت‌ها یا کودکان بومی

در کشورهایی که اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی یا افراد با منشأ بومی وجود دارند، کودک متعلق به چنین اقلیت یا بومی نباید در اتحاد با سایر اعضای خود از این حق محروم شود. گروه او، برای لذت بردن از کیش خود، اظهار عقیده و انجام مناسک عبادی خود، با استفاده از زبان خود می‌بایست نیازهای روحی و معنوی خویش را فراهم می‌آورد.

5- ارتباط زبان و فرهنگ بایستی چگونه باشد؟

1. با ترویج تفاوت‌ها از طریق پذیرش تعطیلات آنها، احترام به روزهای مهم آنها، در روزهای مهم مرتبط با سنت و فرهنگ آنها جشن گرفته می‌شود.
2. دولت‌ها باید به حمایت از موزه‌های محلی و فعالیت‌های فرهنگی کمک کنند.
3. بعنوان مثال در حال حاضر در ایالات متحده، تنش‌های زیادی در مورد مهاجرت وجود دارد و به نظر می‌رسد بسیاری از کودکان اقلیت بسیار مضطرب هستند و از فرهنگ خود خجالت می‌کشند، به جای اینکه آن را جشن بگیرند، اغلب علیه آنها تظاهرات نمایشی ای برگزار می‌شود.
4. کودکان دیگر از فرهنگ‌های دیگر مطلع می‌شوند: از طریق برنامه‌های درسی و از طریق کلاس‌ها.
5. آنها باید از طریق مدرسه در مورد فرهنگ و دانش خود بیشتر بیاموزند. یکی از بچه‌ها ابراز نگرانی کرد که سایر کودکان وقتی به لهجه محلی‌اش صحبت می‌کنند، مورد تمسخر قرار می‌گیرند.

1-5- بررسی اجمالی

ماده 30 کنوانسیون، حق کودکی را که به یک اقلیت یا جامعه یا گروه بومی تعلق دارد، اعطا می‌کند که زبان، فرهنگ و مذهب خود را ادعا کند، از آن لذت ببرد و به آن عمل نماید. مفاهیم جامعی که باید در نظر گرفته شوند عبارتند از: محافظت از آنها، اقداماتی برای حمایت و توانمندسازی حفظ و توانایی کودک برای انتخاب فرهنگ، مذهب، و زبان فراهم آید که آنرا انجام داده، بپذیرند و یاد بگیرند (دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل^۳ و Rädä barnen (جامعه: سوند)، 2007، صفحات 675-682).

حقوق خاص اقلیت‌ها و گروه‌های بومی در کنوانسیون مورد توجه قرار نگرفته است. با این حال، در نظر گرفتن، حمایت و احترام به این حقوق مستلزم قدردانی از شرایط و وضعیت کودکان متعلق به این گروه‌ها یا جوامع است، به عنوان مثال، ارتباط جوامع بومی با قلمرو و شیوه زندگی آنها (سازمان ملل متحد^۴، 2006، صص. 198-200). حق استفاده از حقوق فرهنگی را می‌توان ارتباط تنگاتنگی با استفاده از قلمرو سنتی و منابع آن در نظر گرفت (کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد، 2009، بند 16). از این منظر، اهمیت قابل توجهی به سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی نسبت داده می‌شود و برای رشد و لذت فرد از فرهنگ ضروری است (کمیته حقوق کودک سازمان ملل، 2009، بند 35).

1. Mauritania

2. Extra, J., and Yamore, KA

3. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights

4. United Nations

فرضیه بعدی پژوهش بیان می‌کند که زبان شناسی حقوقی بر اساس معاهدات بین‌المللی منطقه‌ای و فرامرزی با استفاده از ابزار زبانی به حمایت از حقوق زبانی اقلیت جامعه و کودکان بومی زبان می‌پردازد. در ادامه تحلیل وضعیت موجود ارائه شد است:

ماده 30 ضمن حمایت ویژه از کودکان اقلیت و بومی، به روابط پیچیده پشت حمایت از حقوق فرهنگی، مذهبی و زبانی نیز اشاره می‌کند. در نتیجه، بر اساس ماده 30، سه موضوع تفسیری اصلی را مطرح می‌کند:

1. چه زمانی کودک، فردی بومی در نظر گرفته می‌شود یا به عنوان فردی متعلق به یک اقلیت قومی، مذهبی یا زبانی شناخته می‌شود؟

2. تعهدات دولت‌های عضو برای تحقق حقوق مندرج در ماده 30 چیست؟

3. اعمال ماده 30 به عنوان حقوق فردی و/یا جمعی چه پیامدهایی بر کودک دارد (هریس شرت و توبین، 2019، ص. 1159)؟

متأسفانه، رویه قضایی خود کمیته، با توجه به مشاهدات پایانی به گزارش‌های دولت‌های عضو، تنها تا حدی به این موضوعات تفسیری پاسخ می‌دهد، اما تفسیری جزئی‌تر، هرچند نه جامع‌تر، در نظر عمومی شماره 11 خود در مورد حقوق کودکان بومی ارائه می‌دهد. اگرچه در سراسر کنوانسیون، به ویژه در موادی مانند 6، 8، 14، 17 (د)، 20 (3)، 21، 29 (ج)، و 31، برای حمایت از زبان، فرهنگ و مذهب اشاره شده است، ماده 30 تقویت و تأکید می‌کند که این حقوق و حمایت‌ها در مورد کودکان اقلیت‌ها و مردم بومی اعمال می‌شود (هوچکین و همکاران، 2007، ص. 455).

کنوانسیون مربوطه ضمن تأیید حق برخورداری از فرهنگ‌های گوناگون، از کودکان در برابر آسیب‌های احتمالی ناشی از اعمال و باورهای سنتی که در تضاد با حقوق بشر هستند یا منطبق بر آن نیستند، محافظت می‌کند. علاوه بر این، «کمیته تأکید می‌کند که اقدامات فرهنگی ارائه‌شده توسط ماده 30 کنوانسیون باید مطابق با سایر مفاد کنوانسیون اعمال شود و تحت هیچ شرایطی اگر به حیثیت، سلامت و رشد کودک آسیب وارد کند، قابل توجیه نیست» (2009، بند 22).

با اشاره به ماهیت تعهدات کشورهای عضو، بیانیه «نباید انکار شود»¹ تأکید می‌کند که این بیانیه صرفاً تعهد منفی عدم مداخله را به همراه نمی‌آورد، بلکه تعهد مثبت انجام اقداماتی را که احترام، محافظت و تضمین می‌کند، به همراه دارد. اجرای حقوق مشخص شده در ماده 30 این تعهد مثبت تحمیل شده بر دولت‌های عضو را شامل که وظیفه حمایت از کودک نسبت به بازیگران دولتی و غیردولتی که ممکن است اجرای مؤثر این حقوق را تهدید کند، فراهم می‌آورد (هریس شرت و توبین، 2019، صص. 1159، 1173 و 1177). این مهم شامل رسیدگی فعالانه به ظلم و تبعیض است که جوامع یا گروه‌های آسیب‌پذیر را در مورد اثرات یا مضرات نامتناسبی آگاه می‌نماید که حقوق مذهبی، فرهنگی یا زبانی کاهش یافته است و جزء مضرات آن محسوب می‌شود.

در حالی که حقوق سیاسی و اقتصادی قانون توجه این حق نیست، شناخت چگونگی تأثیر این شرایط بر بهره‌مندی از این حق مهم است (هوچکین و همکاران، 2007). کشورهای عضو به عنوان نقش مهمی در حفاظت از حقوق همه کودکان در حوزه قضایی خود و تضمین برابری در برابر قانون و حمایت از آن به رسمیت شناخته شده‌اند (مجمع عمومی سازمان ملل، 1966، ماده 26؛ سازمان ملل متحد، 2006، ص 198). هریس-شرت و توبین تأکید می‌کنند که این تعهدات مثبت کشورهای عضو برای احترام، حفاظت و اعمال صورت می‌پذیرد، همانطور که توسط کمیته در نظر عمومی شماره 11، بند 19 نشان داده شده است با قصد تضمین بقای گروه‌های اقلیت و بومی از طریق توانمندسازی کودکان بومی و اعمال مؤثر آنها از حقوق فرهنگ، مذهب و زبان توجیه می‌شوند (2019، ص 1159). با همین نیت، بند 1 ماده 29، از جمله اهداف آموزش و پرورش، احترام به حقوق بشر، هویت فرهنگی، زبان و ارزش‌ها را برشمرده است.

از این جنبه، ماده 28 کنوانسیون 169 سازمان بین‌المللی کار در مورد مردمان بومی و قبیله‌ای، و ماده 14 اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق مردمان بومی، به طور قابل توجهی از دولت‌ها می‌خواهد که اقدامات مؤثری را برای اطمینان از دسترسی کودکان بومی به آموزش به زبان خود انجام دهند و نقش فرهنگ گروه یا جوامع در ایجاد و کنترل مواضع زبانی خود را بهبود بخشند که آموزش و پرورش و موسسات نیز این وظیفه را بر عهده دارند که هیچ، بلکه با توجه به نیاز به حمایت دولتی برای امکان دسترسی کودکان به چنین برنامه‌هایی باید تلاش نمایند. بنابراین، آموزش اجباری نمی‌تواند کودک را از یادگیری پذیرش یا داشتن فرهنگ

1. Harris Shirt, F., & Tobin, L.

2 Shall not be denied

والدین، جامعه یا گروهی که به آن تعلق دارند، منع کند (دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل و Radda barnen (جامعه: سوئد)، ۲۰۰۷، صص ۶۷۵-۶۸۲).

ماده ۴۵ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کلیه کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنها از تسهیل ادغام کودکان کارگران مهاجر در آموزش محلی حمایت می‌کند و بر آموزش زبان محلی، آموزش زبان و فرهنگ کارگران مربوطه و ایجاد آن تأکید می‌ورزد. تدریس به زبان مادری آنها در دسترس باید باشد. در اینجا نیز، دولت برای ارائه پشتیبانی و منابع لازم نقش ضروری دارد. در رابطه با موضوع مربوط به ماهیت فردی یا جمعی حقوق مندرج در ماده ۳۰، مفاد ماده ۳۰ همچنان به متن ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) نزدیک و صادق است. با یک استثناء، که اضافه شدن حقوق بومی است (هوچکین و همکاران، ۲۰۰۷، ص. ۴۵۶؛ دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای حقوق بشر و Radda barnen (جامعه: سوئد)، ۲۰۰۷، صفحات ۶۷۹-۶۸۰). اشاره خاص به تفاوت «کودک» با زبان «افراد» مندرج در ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به رسمیت شناختن ماهیت فردی و جمعی حقوق، که ممکن است در اجتماع با سایر اعضای گروه آنها اتفاق بیفتد یا نباشد (دفتر سازمان ملل متحد) از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد که کمیساریای عالی حقوق بشر ((OHCHR، ۱۹۹۷، ص ۴۸۹) بدان اشاره نموده است. کمیته روشن کرده است که با ارجحیت دادن به بهترین منافع گروه، نمی‌توان بهترین منافع کودک را کاهش داد یا نادیده گرفت. در نتیجه، «حقوق طبق ماده ۳۰ متعلق به هر کودک است»، تا بار دیگر تأکید شود که کودک یک دارنده حق مستقل است، «به جای ابزار صرف ترجیحات والدین، جامعه، فرهنگ یا دولتی» (هریس - شورت و توین، ۲۰۱۹، ص ۱۱۶۰). مجدداً، با استناد به ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بین‌المللی، باید به ضرورت تمایز حق آزادی بیان از حق استفاده از زبان اقلیت اشاره کرد (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۶، صفحات ۱۹۸-۲۰۰). حق زبان اقلیت، یک حق جداگانه است. این نشان‌دهنده حق فرهنگی کودکان گروه‌های اقلیت است که نباید از آزادی صحبت کردن به زبان خود در جمع با اعضای گروه خود محروم شوند. گروه به عنوان یک حق فرهنگی، باید به وضوح از آزادی بیان و سایر حقوق مدنی-سیاسی متمایز گردد.

۶- اصول کلی

ماده ۲: این ماده حق عاری بودن از هر نوع تبعیض را بدون توجه به والد یا قیم کودک از قبیل: "نژاد، رنگ،.....زبان، مذهب، .. منشاء ملی، قومی یا اجتماعی... تضمین می‌کند. ممنوعیت تبعیض باید در قوانین داخلی گنجانده شود. این مهم باید با اقدامات قانونی و اداری برای تضمین آزادی اعمال حقوق بر اساس منشاء و هویت کودکان تقویت گردد. کشورهای عضو باید ابتکاراتی را توسعه دهند که دسترسی بیشتر به خدمات مرتبط فرهنگی را تضمین کند که احترام و تفاهم را در میان مردمان بومی و اقلیت‌ها تقویت و همچنین ترویج نماید. توجه مثبت به مشارکت آنها توسط جامعه در کل (کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد، ۲۰۰۹، پاراگراف ۲۳-۲۷).

ماده ۳: در تعیین مصلحت کودک با توجه به ماده ۳۰، باید به انتخاب و ظرفیت تکامل کودک و همچنین رفاه و رشد او توجه شود. برای درک بهتر واقعیت زنده کودک یا گروهی از کودکان، این باید به روشی گسترده و مشارکتی ارزیابی شود که شامل کودک و دیدگاه‌های آنها، رهبران و اعضای جامعه، والدین، متخصصان و سایر ذینفعان مرتبط باشد (مجمع، ۲۰۱۰، بند ۶۲). نیاز به توجه متمایز به حقوق جمعی فرهنگی در اعمال این حقوق کودکان بومی مهم است. مراقبت باید تضمین گردد که حقوق فردی به نفع حقوق گروهی نادیده گرفته نشود (کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد، ۲۰۰۹، پاراگراف ۳۰-۳۲).

ماده ۶: بین حق بقا و حق فرهنگ رابطه‌ای وجود دارد که مستلزم قدردانی و حمایت از سنت‌ها و ارزش‌های جمعی است که جوامع اقلیت‌ها و گروه‌های بومی را حفظ و صیانت می‌کند (کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد، ۲۰۰۹، بند ۱۶). ماده ۳۰ مشروط است در مورد توانایی ادعای حقوق مذهبی، فرهنگی و زبانی. این جریان تقنینی و فکری پیامدهایی برای حفظ هویت، تاریخ، ارزش‌ها، پیوندهای خانوادگی و جمعی دارد که فرد را به گروهی که به آن تعلق دارد پیوند می‌دهد. کشورهای عضو مسئول ارائه

حمایت‌های مادی و برنامه‌های کمکی مناسب فرهنگی هستند که استانداردهای مناسب زندگی را تضمین می‌کنند که شامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود. به طور قابل توجهی، اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد با مشارکت فعال کشورهای عضو از افراد بومی، از جمله کودکان و جوامع، پیش خواهد رفت (کمیته سازمان ملل در مورد حقوق کودک، 2009، پاراگراف 34-36).

ماده 12: نیاز به نمایندگان واجد شرایط، خدمات تفسیری و مطالب به زبانی که کودک انتخاب می‌کند، حق کودک را برای انتخاب و مشارکت در اجتماعات و فعالیت‌های مرتبط و جامعه گسترده‌تر تسهیل می‌کند. (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، 2010، بند 6، 88). این امر تداوم در جامعه پذیری و توسعه را تضمین می‌کند (مجمع عمومی سازمان ملل، 2010، بند 158). برای مثال، این شامل تلاش‌هایی برای حمایت از مشارکت کودکان بومی و اقلیت‌ها در تمام سطوح آموزشی، از جمله آموزش پیش دبستانی، و ارتقای آگاهی فرهنگی است (کمیته حقوق کودک سازمان ملل، 2016، 2017، بند 55 (ه)).

7- ابزارهای مرتبط

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (1966)، ماده 27، حقوق اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی را برای برخورداری از فرهنگ خود، اظهار نظر و انجام مناسک عبادی خویش و استفاده از زبان‌شان تضمین می‌کند.

کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها (1990)، ماده 45، از تسهیل ادغام کودکان کارگران مهاجر در آموزش محلی با تأکید بر آموزش زبان محلی و آموزش زبان و فرهنگ کارگران مربوطه حمایت می‌کند. اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق مردمان بومی (2007)، ماده 11، به حق اعمال و احیای سنت‌ها و آداب و رسوم فرهنگی و دسترسی به آموزش به زبان و فرهنگ خود، ماده 14 می‌پردازد. -تعیین حفظ فرهنگ و جامعه از یک چشم‌انداز تاریخی و با تکامل شکل آن باعث می‌شود تا دولت‌ها در نقش بازیگری حامی در این روند وظایف زبانی و فرهنگی خود را پیش ببرند.

کنوانسیون 169 سازمان بین‌المللی کار، مردمان بومی و قبیله‌ای (1989)، ماده 2، نه تنها به حمایت از حقوق اشاره می‌کند، بلکه احترام به تمامیت آنها را نیز تضمین می‌کند.

8- شاخص‌ها

8-1- شاخص اول: التذاذ از فرهنگ حق فرزند متعلق به اقلیت قومی، مذهبی یا زبانی یا گروه بومی

شاخص مذکور بر این موضوع تمرکز دارد که چگونه کودکان از سنین پایین از حقوق فرهنگی آگاه می‌شوند و آنها را برای مشارکت در زندگی فرهنگی در جامعه آماده می‌کنند. همچنین به این موضوع می‌پردازد که چگونه کتاب‌های درسی و مواد آموزشی روحیه یادگیری برای زندگی مشترک، احترام به فرهنگ‌ها و هویت‌های فرهنگی گوناگون، به‌ویژه حقوق فرهنگی کودکان متعلق به اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی یا گروه‌های بومی را در کودکان ایجاد می‌کند. برای این منظور، محیط‌های مدرسه باید تکرر فرهنگی، گفتگوی بین فرهنگی و نزدیک شدن فرهنگ‌ها با چارچوب کلی حقوق بشر را تقویت کنند. این ویژگی با آزادی در آموزش نیز مرتبط است. آموزش اجباری نباید کودک را از یادگیری، فرزندخواندگی یا داشتن فرهنگ والدین یا جامعه یا گروهی که به آن تعلق دارند منع کند.

کمیته، در نظر عمومی خود به شماره 11 در مورد کودکان بومی، ادعا می‌کند که:

- کودکان بومی و کودکان اقلیت باید به طور مؤثر از حقوق خود در سطح برابر با کودکان غیربومی برخوردار شوند (2009، بند 1).

- باید بازتابی از گروه‌ها و جوامع بومی و اقلیت در آموزش و برنامه‌های درسی وجود داشته باشد که تجربیات، مشارکت‌ها و میراث گروه‌ها را در ساختن بافت اجتماعی جامعه نشان دهد (2009، بند 27).

- تجارب، شرایط و موقعیت‌های مضرت‌بار و تبعیض که به طور نامتناسبی بر اساس مذهب، فرهنگ و زبان تبعیض را تحت تأثیر قرار می‌دهند یا باعث ایجاد تبعیض واقعی می‌شوند، باید شناسایی و به آنها رسیدگی شود. این شامل ابتکارات آموزشی و آگاهی بخشی برای مقابله با نگرش منفی نسبت به افراد و گروه‌ها می‌باشد (2009، پاراگراف 23-29).
- منابع، آموزش و کارکنان برای اجرای برنامه‌ها و سیاست‌هایی که این حقوق را ترویج و حمایت می‌کنند باید به اندازه کافی تخصیص داده شوند. این شامل معلمان آموزش دیده‌ای می‌شود که قادر به ارائه برنامه درسی آموزش ملی و همچنین آموزش خاص جوامع یا گروه‌ها، به زبان مورد نظر و به شیوه‌ای مناسب فرهنگی هستند (2009، بند 71).
- باید خدمات بهداشتی، رفاه اجتماعی و آموزشی قابل دسترسی وجود داشته باشد که احترام به زبان، فرهنگ، و اعمال جامعه یا گروه را حفظ کند (2009، پاراگراف 49-55).
- کیفیت آموزش باید امکان مشارکت، فعالیت و بهره‌مندی از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زندگی و اجتماع را فراهم کند و به توانمندسازی فردی و خودمختاری دست یابد. تلاش‌های ویژه‌ای برای بهبود دسترسی کودکان بومی به آموزش و جذب معلمان از درون لازم است که جوامع و از مجرای توسعه برنامه‌های درسی مرتبط فرهنگی با مشارکت جوامعی که آموزش به زبان مربوطه را ترویج می‌گردند و باید دول و سمن‌ها حمایت کنند و همینطور منطبق با مذهب و سنت‌ها باشد (2009، پاراگراف 56-63). توسعه سیاست و برنامه، از جمله تلاش‌های نظارت و ارزیابی، در همه زمینه‌ها باید با همکاری مستقیم با جوامع بومی و با مشورت کودکان بومی انجام گیرد (2009، پاراگراف 80-82).
- در راستای منطق ماده 30، شایان ذکر است که در تصویب دستور کار 2030 برای توسعه پایدار، دولت‌ها متعهد شدند که "درک بین فرهنگی، مدارا، احترام متقابل و اخلاق جهانی را تقویت کنند. شهروندی و مسئولیت مشترک بعلاوه «تنوع طبیعی و فرهنگی جهان» را می‌توان تصدیق کرد و اذعان داشت که «همه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها می‌توانند به توسعه پایدار کمک کنند و توانمندسازهای حیاتی آن هستند» (مجمع عمومی سازمان ملل، 2015).

2-8- شاخص دوم: حق ابراز و انجام مناسک عبادی کودکان متعلق به اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی یا گروه‌های بومی

آزادی مذهب یا عقیده یک حق جهانی بشر است. هرگونه ابراز یا تظاهر به بی‌احترامی یا نفرت نسبت به دیگران به دلیل مذهب یا عقیده آنها و تحریک به تبعیض، خصومت یا اعمال خشونت آمیز، توهین به اصل آزادی مذهب یا عقیده است. باید توجه ویژه‌ای شود به اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی یا گروه‌های بومی برای ابراز ایمان و انجام مناسک عبادی به دین یا عقاید خود. ماده 30 دلیل وجودی خود را در این منظر با در نظر گرفتن ماده 14 کنوانسیون در مورد آزادی فکر و وجدان کودک در محیط‌های آموزشی و ابراز عقاید یا مذهب خود دارد.

از این رو، مهم است که به کودکان آموزش دهیم که به حق همه برای اعمال آزادانه دین یا عقیده خود احترام بگذارند و فرصت دسترسی به آموزش مبتنی بر ایمان را فراهم کنند. این امر محیط مدرسه را برای کثرت‌گرایی مساعد می‌کند و گفتگوی بین‌مذهبی و بین‌فرهنگی را ترویج می‌نماید تا کودکان متعلق به اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی یا گروه‌های بومی بتوانند با احترام و با روحیه‌ای که به حقوق بشر احترام می‌گذارد، دین خود را ادا و انجام دهند.

نقش کلیدی آموزش و پرورش به‌ویژه در مجموعه وسیعی از قطعنامه‌های سازمان ملل در مورد آزادی مذهب یا عقیده مرتبط است، به‌عنوان مثال، قطعنامه 72/177 درباره آزادی مذهب یا عقیده که توسط مجمع عمومی در 19 دسامبر 2017 به تصویب رسید، تأکید شده است. قطعنامه تصریح می‌کند که دولت‌ها باید از طریق آموزش و سایر ابزارها، درک متقابل، بردباری، عدم تبعیض و احترام در همه موضوعات مربوط به آزادی مذهب یا عقیده با تشویق در جامعه به طور کلی به دانش گسترده‌تر از تنوع ادیان و عقاید و تاریخ، سنت‌ها، زبان‌ها و فرهنگ‌های اقلیت‌های مذهبی مختلف موجود در داخل صلاحیت خود را اعمال نمایند. (مجمع عمومی سازمان ملل، 2018، بند 13 (1)). بر این اساس، احقاق حق کودکی که متعلق به یک اقلیت قومی، مذهبی یا مذهبی یا گروه بومی است، برای اظهار نظر و عمل به مذهب خود مستلزم موارد ذیل می‌باشد:

- بهداشت و آموزش بهینه ارائه شده به گونه ای که انتخاب یادگیری یا پذیرش فرهنگ، مذهب، یا زبان جامعه یا گروهی را که کودک به آن تعلق دارد را نقض یا منع نکند.
- محافظت در برابر اعمال سنتی که خطرانی را به همراه دارد یا برای سلامتی و رفاه فرد مضر است
- سرمایه گذاری و توسعه منابع برای حمایت و ارتقای حقوق مذهبی، زبانی و فرهنگی و همچنین اقداماتی که امکان مشارکت برابر در جامعه را فراهم می کند
- محدود کردن به رسمیت شناختن گروه ها می تواند تبعیض و نابرابری را ایجاد و آن را ریشه یابی کند
- سازمان ها، متخصصان و افرادی که با کودکان کار می کنند، به ویژه آن هایی که مسئولیت مراقبت مستقیم از آنها را بر عهده دارند، باید به درستی نسبت به مسائل فرهنگی، اجتماعی، جنسیتی و مذهبی که بر کودکان متعلق به جوامع و گروه های اقلیت و بومی تأثیر می گذارد، حساس شوند (کمیته حقوق بشر سازمان ملل، ۲۰۰۹).

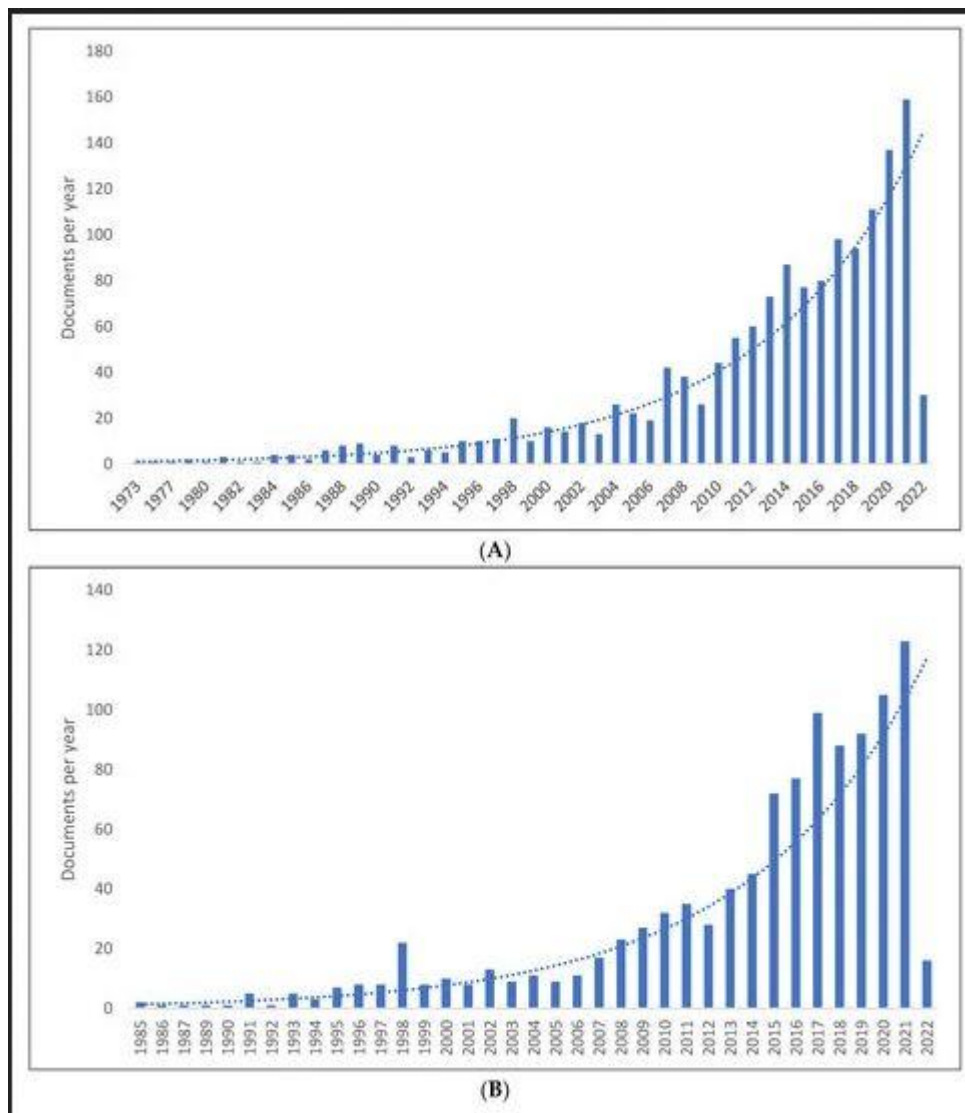
3-8- شاخص سوم: حق استفاده از زبان خود در کودکان متعلق به اقلیت های قومی، مذهبی یا زبانی یا گروه های بومی

تعداد فزاینده ای از شواهد به این واقعیت اشاره می کند که کودکان در زبان اول خود بهتر یاد می گیرند (بومان و ترودل^۱، ۲۰۰۸). بنابراین، برای کودکان مهم است که آموزش اولیه را به زبان اصلی خود دریافت کنند. این موضوع تعدادی از مسائل را در رابطه با تسهیلات استفاده از زبان آنها، مانند در دسترس بودن کتاب های درسی، معلمان واجد شرایط، و سایر منابع، به زبان (های) اقلیت های قومی، مذهبی یا زبانی یا گروه های بومی، به ویژه با در نظر گرفتن تعداد زیادی از زبان، ایجاد می کند. تعداد زبان ها و گویش های بومی در میان جوامع اقلیت در برخی مناطق معقول بودن و امکان سنجی از دیگر معیارهای گام های برداشته شده در این راستا است. دسترسی به رسانه ها و ارتباطاتی که مشارکت در زندگی عمومی را در جوامع مربوطه و جامعه وسیع تر ممکن می سازد، باید توسط کشورهای عضو تضمین شود. این امر شامل ترجمه و انتشار کنوانسیون و سایر اسناد و متون رسمی حقوق بشر در قالبی مناسب برای کودکان و به زبان های اقلیت و بومی به منظور توسعه، احترام و ترویج فرهنگ حقوق بشر است. کشورهای عضو باید از قرار گرفتن در معرض و آموزش به زبان خود به عنوان ابزاری مهم برای حفظ هویت و یکپارچگی روانی و موفقیت تحصیلی گروه های به حاشیه رانده، آسیب پذیر، محروم و نامتناسب، از جمله کودکانی که آواره شده اند، اطمینان حاصل نمایند.

فرضیه چهارم بیان می کرد که با مقایسه با اصل ۱۵ قانون اساسی و ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک به بطن رابطه زبان شناسی حقوقی و اهمیت زبانی می توان پی برد.

بر اساس اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که می گوید: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است و اسناد، مکاتبات، متون رسمی و کتب درسی باید به این زبان و خط باشد. اما استفاده از زبان های محلی و قومیتی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آن ها در مدارس به همراه زبان فارسی و معاهدات بین المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک که جنبه های زبانی را پوشش می دهد آزاد است. نسبت به کودکان اقلیت و بومی، تفاوتی که در این دو سند به چشم می خورد این است که اصولاً ۱۵ زبان فارسی شاخص و منبع اعتبار در حقوق زبانی هستند و از خط و گفتمان رسمی بین اقشار مختلف جامعه بهره می برند. کتاب های درسی و حتی زبان و خط این کتاب ها باید به زبان فارسی باشد و از زبان های محلی و قومی فقط در رسانه های گروهی و مطبوعات و به عنوان تدریس دروس تکمیلی استفاده می شود (مطلق گرایی). در حالی که در کنوانسیون حقوق کودک، طبق ماده ۱۲، کودک حق انتخاب زبان دارد و به همین ترتیب، مدارس و نظام آموزشی می توانند زبان گروه های اقلیت و کودکان بومی را به عنوان زبان استاندارد انتخاب کنند همینطور در تهیه و ویرایش کتاب های درسی که گسترش یافته و آن را به عنوان زبان اصلی استفاده می نمایند، مگر اینکه از زبان انگلیسی به عنوان زبان فرانسه در عرصه سیاست و دیپلماسی استفاده گردد و به همین ترتیب، از زبان عربی در مراسم حج و زیارت بهره جسته می شود.

1. Boman, S. & Trudel, A.



نمودار 1: تحلیل آماری توسعه توانش و کنش زبانی کودکان در راستای تقویت زبان مادری

در نهایت تحلیل آماری بدست آمده بالا در سال‌های مختلف نشان می‌دهد که در دو جدول A و B توسعه توانش و کنش زبانی کودکان در راستای تقویت زبان مادری خود افزایش چشمگیری داشته است که نمودار B از ارزش زبانی بیشتری در سال‌های اولیه بین 1985 تا 1999 دارا می‌باشد و این مهم بایستی در بخش زبان‌شناسی قانونی یا قضایی به لحاظ حقوقی در عملکرد و کلا و قضات و به جهت قانونی در قوه مقننه تقویت گردد که کودک از حقوق زبانی خود محروم نشود.

بحث و نتیجه‌گیری

در نگارش مقاله حاضر سعی بر آن شد تا در زمینه‌های مختلف علوم اجتماعی و سیاسی بالاخص جامعه‌شناسی زبان، سیاست زبانی و آموزش زبان طبق معاهدات بین‌المللی کوشش بعمل آید تا از مجرای زبان‌شناسی حقوقی به کم و کاستی‌های عناصر قانونی، قضایی و زبانی توجه و مورد مذاقه نظر قرار گیرند که هیات دولت هم از این ماجرا اصلا مستثی نمی‌باشد. یکی از امور ا مهمی که می‌توان بدان اشاره نمود و شالوده‌ی مقاله‌ی حاضر را تشکیل می‌دهد، عدالت دوستدار کودک می‌باشد که توسط شورای اروپا جهت بهبود سیستم قضایی منطبق با نیاز کودکان تهیه گردیده است و بر این عقیده مانده تا به ایجاد یک سیستم قضایی که احترام و

اجرای مؤثر همه حقوق کودکان را تضمین کند، مبادرت ورزد و از طرفی معاهدات بین المللی سیاست زبانی ای را که مدتها پیش برای کودکان محروم از تحصیل بوجود آمده بود را با ترکیب زبان شناسی بتواند جامه عمل به آن پوشاند و از حیث تقنینی و بین المللی حقوق زبانی را در زمینه های عقیدتی و سیاسی کودکان پیروارند که همین امر به داخل نظام آموزش و پرورش کودکان نفوذ و در واقع طبق ق.ا.ج.ا. اصل 15 را به منصب ظهور برساند تا کودکان بتوانند در مدارس خود نسبت به امر تدریس از سوی معلمان و امر یادگیری از حق استفاده از زبان خود مستفیض و حتی کتب درسی - آموزشی نیز به زبان بومی و محلی خود بالاخص برای کودکان بومی زبان و دارای اقلیت زبانی فراهم آید که این مهم بر عهده ی سمن ها، سازمانها و نهاد های اجتماعی - فرهنگی داخلی و بین المللی و از همه مهمتر در عرصه حقوق بین الملل عمومی اول دولتها، دوم سازمانهای بین المللی و سوم افراد از بعد قرن بیستم بتوانند بعنوان تابعین حقوق بین الملل بستی را جهت فراهم سازی حقوق کودکان پدید آورند تا محرومیت تحصیلی ایجاد نگردد و از سمتی هم آموزش اجباری که با دوره های اجباری تفاوت دارد، بتواند سطح سوادآموزی را مانند سازمان نهضت سوادآموزی ترویج دهد.

طبق اصل 15 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بیان شده: "زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است." و معاهدات بین المللی از قبیل کنوانسیون حقوق کودک که اقلیت زبانی و کودکان بومی زبان را مورد پوشش قرار می دهد، وجه افتراقی که می توان در این دو سند دید، آن است که در اصل 15 زبان فارسی شاخص و مناط اعتبار در حقوق زبانی و خط رسمی و گفتمان بین اقشار مختلف جامعه مستفید می شود و کتب درسی و حتی زبان و خط موجود در این کتب هم باید به زبان فارسی معیار باشد و استفاده از زبانهای محلی و قومی تنها در رسانه های جمعی و مطبوعات و بعنوان تدریس دروس مکمل واقع می گردد. در حالیکه در کنوانسیون حقوق کودک طبق ماده 12 کودک را از حق انتخاب زبانی برخوردار می نماید که همینطور مدارس و نظام آموزش و پرورش هم در تهیه و تدوین کتب درسی - آموزشی می توانند زبان گروه های اقلیت و کودکان بومی را بعنوان زبان معیار انتخاب و گسترش مد نظر قرار داده و بعنوان زبان اصلی از آن بهره جویند مگر اینکه در عرصه سیاست و دیپلماسی از زبان انگلیسی بعنوان زبان فرانسه^۱ استفاده گردد و همینطور در مراسم حج و عتبات عالیات از زبان عربی مستفید می گردد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت شد و تمامی مصاحبه ها با رضایت شخصی افراد شرکت کننده ضبط و یا نگارش شده است.

حامی مالی

این مطالعه بدون حمایت مالی هیچ مؤسسه و سازمان دولتی یا خصوصی انجام شده است.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان سهم یکسانی در تهیه پیش نویس مقاله، بازبینی و اصلاح مقاله بر عهده داشتند.

تضاد منافع

1 سابقا - آمیزه ای از زبان های ایتالیایی و اسپانیایی و فرانسه و ترکی و عربی که در برخی بندرهای مدیترانه به آن تکلم می کردند) لینگوا فرانکا ولی اکنون آن را بعنوان زبان بین المللی در نظر می گیرند و در تعریفی جامع عبارت است از: "زبانی که بین مردم یا گروهی که زبان مشترکی با هم ندارند و زبان های مادری یکسانی ندارند به عنوان زبان سوم مطرح می شود و با آن ارتباط برقرار می کنند.

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

تشکر و قدردانی

بدینوسیله از تمامی افرادی که در انجام این پژوهش همکاری و مساعدت کردند، از جمله معلمان و خبرنگاران شرکت‌کننده در تحقیق قدردانی و تشکر می‌شود.

References

- A simplified version of the United Nations Convention on the Rights of the Child, <https://www.unicef.org.au/Discover/What-we-do/Convention-on-the-Rights-of-the-Child/childfriendlycsrc.aspx> (20.12.2014).
- Aditya, R. (2021). Types of Data Collection Techniques and Their Explanations. *Www.Suara.Com*.
- Admin. (2022). Appropriate Qualitative and Quantitative Data Collection Techniques. 28 April.
- Ali, J. H. (2020). Forensic Linguistics: A Study in Criminal Speech Acts. *Beni-Suef University International Journal of Humanities and Social Sciences*, 2(1). <https://doi.org/10.21608/buijhs.2020.91333>.
- Al-Maliki, W. J. L. (2022). Forensic Linguistics: A Study in the Concept and Function. *Journal of Basra Researches for Human Sciences*.
- Child Rights and International Legal Framework, http://www.unicef.org/tdad/index_56386.html (20.12.2014).
- Children & youth, http://www.hrea.org/index.php?base_id=81 (23.12.2014).
- Children's Rights: International Laws, <http://www.loc.gov/law/help/child-rights/international-law.php> (20.12.2014).
- Cohen L.J, DeBenede A.T, Why is U.S. against the children rights?, 24 I 2002, <http://ideas.time.com/2012/01/24/why-is-the-us-against-childrens-rights/> (09.01.2015).
- Committee on the Rights of the Child, The Rights of the Child, first session, in October 1991, Introduction to the Convention on the rights of the child, <http://www.unicef.org/crc/files/Definitions.pdf> (20.12. 2014).
- Emami, Seyyed Hasan (1994). Civil law, V.1. Tehran: Eslamiyeh Publication. [In Persian]
- Genius, Zahra. (2011). Children's rights: Council on Human Rights and Prevention of Violence against Children. *Political Science*, -(14), 89-109. SID. <https://sid.ir/paper/174092/fa>
- Habibi, Hasan (1994). Legal Logic and legal Informatics. Tehran: Ettelaat Publication. [In Persian]
- Madani, Dawood, and Khosravi Shakib, Mohammad. (2009). Language semiotics in children's poetry. *Persian Literature*, 5(23), 101-114. SID. <https://sid.ir/paper/194102/fa>
- Mazlounzadeh, Amina, Jamalzadeh, Abdolreza, and Shahabi, Ruqiya. (2021). Principles related to children's rights in the digital environment. *Studies of economic jurisprudence*, 3 (special issue (modern studies of jurisprudence and law)), 35-56. SID. <https://sid.ir/paper/965314/fa>
- Parsapour, Mohammad Bagher, and Nourbakhsh, Sosan. (2015). Criteria for assessing the best interest of the child in Imami jurisprudence, Iranian law and the Convention on the Rights of the Child. *Comparative Research of Islamic and Western Laws*, 2(3), 1-28. SID. <https://sid.ir/paper/262099/fa>